



پیدایش
خلق ترکمن

www.iranarchive.com

پیدایش خلق ترکمن

www.iran-archiv.com

انتشارات:

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

۱۳۶۴

۳ پیشگفتار
۴ توضیحی چند درباره طوایف، قبایل، اقوام
۶ نیاکان ترکمن ها
۹ سلجوقها
 آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن
۱۲ پیدایش نام ترکمن ها
۱۶ تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن
۲۰ پیدایش ملت سوسیالیستی ترکمن
۲۳ پروسه شکل گیری ملت ترکمن در ایران

پیشگفتار

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در تعقیب یکی از اهداف خود مبنی بر تحقیق و بررسی پیرامون تاریخ و فرهنگ خلق ترکمن مطلب زیر را ترجمه و تنظیم نموده و در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار میدهد. در نوشته حاضر به تاریخ پیدایش ترکمنها، اینکه آنها از کدام قبایل، طوایف و اقوام بوده‌اند، درجه شرايطی و درجه زمانی و در کدامی زیسته‌اند. روابط اقتصادی - اجتماعی آنها با سایر اقوام و ملت‌ها چگونه بوده و چه تاثیراتی بر تاریخ تکامل آنان برجای گذارده، قوم ترکمن در چه زمانی شکل گرفته است و در پروسه رشد خود چگونه به ملت ترکمن تبدیل گردیده، پرداخته شده است. در این مطلب همچنین به شکل‌گیری و پیدایش اقوام ترکمن در دورانهای آغازین پروسه فوق توجه بیشتری شده است. اما ضروری است قبل از آغاز سخن پیرامون ترکمنها، مختصراً و بطور عام درباره طوایف، اقوام و ملت‌ها مطالبی مورد تاکید قرار گیرد و این امر که طوایف و اقوام و ملت‌ها در چه شرايطی بوجود آمدند و پروسه تکامل آنها چگونه بوده، مورد بررسی قرار گیرد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

توضیحی چند در باره طوایف، قبایل و اقوام

هزاران سال پیش، آنگاه که انسانها در حالتی نیمه وحشی می زیستند، و هنوز شهر، دولت و ملتی وجود نداشت، طوایف و اقوام رفته رفته شکل گرفتند.

طایفه، بمثابه نخستین شکل تجمع انسانی، بر مبنای پیوندهای خونی استوار بود و افراد کمی (از چندده تا چندصد نفر) را در خود متحد می ساخت. مالکیت در طایفه مالکیت جمعی بود. مردان به شکار می پرداختند و زنان دانه های غذایی، گردو و قارچ جمع می کردند و اقتصاد خانوادگی را اداره می نمودند. در این دوره از آنجا که مطمئن ترین راه شناخت خویشاوندی از طریق مادر بود و همچنین زنان در اقتصاد خانوادگی نقش برجسته ای ایفا می کردند، موقعیست زن بالاتر از موقعیت مرد بود. مقررات طایفه ازدواج مردان با دختران طایفه را ممنوع می ساخت، بهمین سبب مردان یک طایفه با دختران طوایف همجواری ازدواج نموده، یا زن خود را به طایفه خویش می آوردند و یا خود به طایفه والدین همسر خود می پیوستند از طریق اینگونه روابط چند طایفه که به یک زبان سخن می گفتند بهم پیوسته و قبیله را بوجود می آوردند.

شکل تجمع قبیله ای - طایفه ای حتی پس از رام کردن حیوانات و فراگیری شیوه های بهره برداری از زمین و گذار به دامداری و کشاورزی نیز در میان انسانها حفظ گردید. در برخی از عقب مانده ترین نواحی کره زمین (در کوه های جزیره ایریان، بعضی مناطق افریقای مرکزی و جنگلهای آمریکای جنوبی) حتی تا همین اواخر نیز اشکال طایفه ای - قبیله ای وجود داشت. مضاف بر آن بقایای چنین ساختاری در بین بسیاری از خلقها، از جمله خلق ترکمن هنوز نیز حفظ می گردد.

با گذشت زمان انسانها از وضعیت زندگی نخستین خارج شدند و پیوندهای اقتصادی و اجتماعی آنان بطرز چشمگیری گسترش یافت. کشاورزان ساکن جلگه های کناره رودخانه ها با ایجاد شبکه های آبیاری پیچیده و احداث کانالهای بزرگ به ایجاد شهرها پرداختند. دامداران نیز به همراه دامهای خود به مناطق دور دست، گاهی تا فاصله

صدها کیلو متر کوچک می نمودند و میزان داد و ستد با طوایف مجاور گسترش می یافت. در چنین زمینه ای شکل نوین تجمع انسانی یعنی اقوام پدید آمد. در ترکیب اقوام، دهها قبیله و گاهی قبایل منسوب به نژادهای مختلف وارد می شدند.

— اقوام طی دو فرما سیون بزرگ تاریخی یعنی دورا نهایی برده داری و فئودالیزم دوام یافتند. قدیمی ترین اقوام حدود ۴-۵ هزار سال پیش بوجود آمدند. در طی مدت زمان طولانی که از آن روزگاری سپری شده است، اقوام بدون تغییر نمانده اند، برخی اقوام کوچک بهم آمیخته و پاره های دیگر از هم پاشیده و اقوام جدیدی پدید آورده اند.

بعدها، هنگامی که نظام سرمایه داری بتدریج جایگزین فئودالیزم گشت، تجارت و صنعت رشد سریع خود را آغاز نمود و روابط اقتصادی میان انسانها تحکیم یافت، پروسه تبدیل اقوام رشد یافته و تکامل به "ملتها" آغاز گردید. ملت، شکلی از تجمع افراد است که وجه مشخصه آن عبارتست از بهم پیوستگی و وحدت اقتصادی، اشتراک سرزمین، اشتراک زبان و اشتراک فرهنگ معنوی و خصوصیات روانی. ملت با استحکام خود از نظر سرزمین، زبان و فرهنگ و قبل از همه پیوستگی روابط اقتصادی از قوم متمایز می گردد.

ملتها ۵۰۰-۶۰۰ سال قبل در سرزمینهای رشد یافته اروپایی غربی که گام در راه رشد سرمایه داری نهاده بودند شروع به پیدایی نمودند. به موازات شکوفایی سرمایه داری ملت ها در نقاط دیگر جهان نیز با گرفتند. ملت (ملت بورژوازی)، طبقات متخاصم، اعم از سرمایه داران و کارگران و فئودالها و دهقانان را در بر می گرفت. مبارزه لاینقطع میان ثروتمندان و تهیدستان میان استثمارگران و استثمار شوندهگان ملت های بورژوازی را می ساید و از توان می اندازد. با پیدایش نظام سوسیالیستی ملت های نوع جدید، ملت سوسیالیستی پدید آمدند، ملت سوسیالیستی از آنجا که از طبقات و اقشار غیر متخاصم یعنی کارگران، دهقانان و روشنفکران خلقی تشکیل یافته اند از ملت بورژوازی متمایز می گردند. بهمین سبب تضاد آشتی ناپذیر طبقاتی در میان ملت سوسیالیستی وجود ندارد و به این لحاظ روابط درونی آنها بسیار مستحکمتر از ملت بورژوازی است. برای نخستین بار ملت سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اواسط سالهای ۳۰ بوجود آمدند.^(۱)

ملت سوسیالیستی در شرایطی دموکراتیک، در شرایط همیاری متقابل رشد می یابند. بهمین سبب حس انترناسیونالیسم پرولتری احترام به خلقهای دیگر از صفات ذاتی این ملتهاست. هر ملت سوسیالیستی جهت شکوفایی اقتصادیات خود در رشد و نیرومندی دولت تمدن و فرهنگ ملی خویش از امکانات لازم برخوردار است. در عین حال هر کدام از آنها به موازات کسب پیروزی های اقتصادی و فرهنگی همدیگر را غنی تر ساخته و بتدریج بهم نزدیک می شوند. رشد ملت های سوسیالیستی حتی در دوران کمونیسم مدتهای مدیدی

ادامه خواهد داشت. در عین حال روند نزدیکی ملل به یکدیگر نیز زفته زفته شتاب بیشتری خواهد گرفت و هر ملتی - حتی کوچکترین آنها - سهم خویش را به اقتصاد و تمدن جهانی خواهد افزود.

۱ - طبقات استثنای رگدرا تا اتحاد شوروی نه در سال ۱۹۱۷، بلکه در اواسط سالهای ۳۰ ازمیان رفتند. به معنای دیگر در فاصله ۱۹۱۷ تا اواسط دهه ۳۰ حزب کمونیست و مردم شوروی در جریان نابودی طبقات استثنای رگدرا بودند و این پروسه در اواسط سالهای ۱۹۳۰ خاتمه یافت.

نیاکان ترکمن ها

در محدوده‌های که هم اکنون ترکمنها سکونت دارند، (۱) در روزگار آن کهن - دهها و صدها هزار سال قبل - نیز انسانها می زیستند. سواحل بحر خزر، کناره‌های بخش سفلی رودخانه جیحون و مسیر رودخانه "اوزبوی" زیستگاه طوایف ما هیگیر بود و طوایف شکارچی در کوهستانها و دشتها اسکان گزیده بودند. نه ما هیگیران و نه صیادان قادر به ساختن خانه و استفاده از فلزات نبوده‌اند. آنان در غارها و "چاتما" ها (نوعی کلبه) زندگی می کردند و ابزار مورد استفاده آنها را تیر و کمان هایی با پیکانهای سنگی، تبرها و کاردهای سنگین و چوبهای دستی ساخته شده تشکیل می داد.

قریب ۸-۹ هزار سال پیش، نخستین روستاهای کشا و رزان در نواحی "آخال" و "اتک" پدید آمد. روستا نشینان در خانه‌های بزرگ - که با خشت خام بنا شده بود - می زیستند. در هر خانه، خانواده‌ای بزرگ و یا حتی تمام افراد یک قبیله سکونت داشت و آنان در اراضی مرطوب و با تلاقی که از آب چشمه‌ها و جویبارها بوجود آمده بود، جو کاشته و گشت خود را با دانه‌های سنگی درومی کردند. به جهت عدم وجود آسیاب زنان دانه‌ها را با سنگ کوبیده آرد می کردند و نیز ظروف خود را از گیل رس ساخته، با رنگ قهوه‌ای رنگ آمیزی می کرده‌اند. انسانها ۷-۶ هزار سال قبل، نخست بز و سگ و سپس گوسفند، خوک، گاو، اسب و شتر را رام کردند. جهت آبیاری مزارع خود بتدریج به کندن جوی خرد و گرفتند، خیش ساختند و طرز استفاده از آن را آموختند. ذوب فلزات ساختن ابزار، اسلحه و اشیای زینتی را بتدریج یاد گرفتند. بدین ترتیب روستاها گسترش یافت و بزرگترین آنها با کشیده شدن حصار بر پیرامونشان خصوصیات شهرهای کوچک را بخود گرفتند. روستاهای "پارسی تپه" دریا با عرب، "ایکی تپه" در حومه "انو" "نامازغاتپه" "در حومه" "گاگا" "یاسی تپه" در جنوب رود ترک "دوشاق" "التین تپه"

ویلیغن تپه در حومه "معنه چچی" و... محل استقرار چینیان روستاهایی بوده اند که هنوز نیز پابرجا هستند.

حدود چهار هزار سال قبل، طوایف صحرائنشین از شکار به دامداری روی آوردند. افزایش تدریجی شمار دامها، امکان اسکان طولانی در یک محل را از آنها سلب می نمود و آنها را به سوی کوچ نشینی سوق می داد. لازم به یادآوری است که بسیاری از طوایف در ادوار کهن همزمان به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته اند. در آن روزگار مانند ترکمن های ۱۰۰-۵۰ سال پیش، بخشی به صورت کوچ نشین و بخشی دیگر به شکل اسکان یافته (تخته قاپو) زندگی می کرده اند.

در دوران باستان وسده های میانه بخش عمده ترکمن ها را همان طوایف نیمه ساکن دامدار-کشاورز تشکیل می داد. کشاورزان و دامداران بطور مداوم باهمدیگر داد و ستد می کردند، آنها غله را با دام، فراورده های پوستی و پشم مبادله می نمودند، چنین بود پیرو سه تقسیم ترکمن ها به مردمان دامدار و کشاورز که تا زمان مانیزدادوم یافته است.

کشاورزان تنها به استفاده از آب چشمه های سنده نکرده، بتدریج استفاده از آب رودخانه های مرغاب، تجن و حتی رودهای بزرگی چون حیجون را نیز جهت آبیاری اراضی خود فرا گرفتند. برای این کار احداث سدهای بزرگ، حفر کانالهای اصلی و لایروبی سالانه آنها ضرورت داشت و این کاری بود که اشتراک عمل، رنج و زحمت متحد تمامی اهالی منطقه را طلب می کرد. این عامل در کنار روابط تجاری روبه گسترش دست بزدست هم داده به وحدت تدریجی قبایل و پیدایی اقوام یاری رساند.

همزمان با پیرو سه فوق الذکر به موازات افزایش تعداد صحرائنشینان، دامداران ناگزیر بودند تا هر چه بیشتر کمبود مراتع را تحمل نمایند. بهمین سبب حدود ۳/۵-۳ هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان یافته شمال سرزمین اقوام ترکمن ورودیه جنوب را آغاز کردند و حتی بخشی از آنان تا ایران و هندوستان نیز نفوذ نمودند. طوایف کوچ نشین که از شمال وارد ایران شدند (ترکمن صحرائ کنونی)، اندک اندک با مردمان کشاورز بومی درآمیخته و بخشی از آنان در این منطقه اسکان گزیدند.

- در هزاره نخست قبل از میلاد در نواحی مزروعی که امروز ترکمنها اسکان یافته اند اقوام گوناگونی زندگی می کرده اند.

آخال، اتک و بخش سفلی رود تجن (هریرود) و نیز ناحیه شمال شرقی ایران کنونی محل زندگی "پارت ها" بوده است. پارتها در نتیجه آمیزش بومیان کشاورز و جلگه نشینان دامداری که از نواحی شمال به این مناطق کوچ کرده بودند بوجود آمدند. بخشی از پارتها به کشاورزی و بخش دیگر در چراگاههای کوهستانی و اطراف صحرائ برای نزه قوم - در امتداد تلالی آن با "کویت داغ" (کوههای کویت) به دامداری اشتغال داشته اند. پارتها به قالی های نفیس و اسبان تیز تک خود شهرت داشته اند. لشکریا رتها با سواره نظام کثیرالعهده خود

هراس در دل دشمنان می افکند .

- در آن ایام در جلگه مرغاب که در آنجا سیستمی از کانال‌های بزرگ و پیچیده احداث شده بود، قوم دیگری به نام "مارگیانائیا" سکونت داشتند. مارگیانائیا عمدتاً به کشت و ریزی اشتغال داشتند. اما در عین حال در چراگاه‌های سرسبز حوالی جلگه مرغاب به دامداری نیز می پرداختند. آنان صنعتگران ماهری داشته و تپه آهن و ساختن سلاح‌های بسیار خوب پولادی را خیلی زود فرا گرفته بودند. مارگیانائیا نیز همانند پارتها با انگور و شراب خود مشهور بودند.

- سومین قوم یعنی خوارزمی‌ها در بخش سفلی رود جیحون شکل گرفت. در آنجا نیز همچون ترکمنستان جنوبی اقتصاد مختلط وجود داشته، ولی اساس آنرا کشت آبی تشکیل می داد.

پارتها، مارگیانایی‌ها و خوارزمی‌ها به زبانی که از شاخه‌های زبان ایرانیان بوده تکلم می کردند.

در میان همه این اقوام، جامعه طبقات بهره کش و بهره ده تقسیم می شد. کدخدایان ثروتمند به حساب دسترنج دهقانان و بردگان زندگی می کردند. از بردگان عمدتاً در کارهای سخت بر روی زمین، چگون احداث و لایروبی کانالها، در ساختن و تعمیر سد ها و ساختمانها و یمتابه خدمتکار در کارهای خانه استفاده می شده است. دهقانان ناچار بودند بخشی از اقسام و محصولات خود را به کدخداها داده و همچنین در لایروبی سالانه کانالها نیز شرکت جویند.

کدخداها جهت حفظ تسلط خود بر دهقانان و بردگان سازمان دولت (دستگاه‌های اداری، ارتش، دادگاهها، زندانها و امثال آن) را بوجود آوردند. در این امر روحانیون و خدام دین نیز به آنها یاری می کردند. ترکمن‌های اسکان یافته آتش و نیز فرشتگان زمین و محصول را پرستش می نمودند.

پارتها، مارگیاناییها و خوارزمی‌ها شهرها و قلعه‌هایی داشته‌اند که خرابه‌های آنها در "ارک قالا" و "پارتیه" در پایین مرغاب، "یلکن تپه" در نزدیکی های ایستگاه قورشوق، "کونده‌لی قیر" در استان داش جووش (در ترکمنستان شوروی) و ... هنوز نیز با برجاست.

علاوه بر اقوام یاد شده طوایف دیگری (داخها، ماساگت‌ها و سارمات‌ها) نیز در اراضی مورد بحث اسکان داشته‌اند. آنان که به دامداری اشتغال داشتند در مقایسه با سه قوم پارتها، مارگیانائیا و خوارزمی‌ها بسیار عقب مانده تر بودند. داخها در بخش شمالی رود اترک و جنوب شرق قارا قوم، ماساگت‌ها در شمال درنواخی همجوار دریای آرال و سارمات‌ها در شمال غرب و شمال کوه‌های معروف به بالکان بزرگ می زیسته‌اند.

داخها و ماساگت‌ها از نقطه نظر شیوه زندگی شباهت بسیاری بهم داشتند. آنان علاوه بر دامداری به زراعت نیز می پرداختند. بطور مثال داخ‌های ساکن دشتهای شمال اترک روستاهای بزرگی داشته‌اند (خرابه‌های عزت‌قلی تپه و مادا و تپه کنونی در اتحاد شوروی و ...)

لازم به یادآوری است که ثروت اصلی آنها دامهایشان بوده است .
 در میان داخها و ماساگتها ثروتمندانی از نوع رهبران قبایل و طوایف
 وجود داشت ، سلاح آنها نیز بسیار گرانبها بود و لباس و زین و سرگ اسبان خویش را با
 طلا می آراستند . در جوار وجود چنین "اغنیای" بی تعداد "تهیدستان" و
 بردگان نیز زیاده بود . داخها و ماساگتها جنگاورانی بی باک و سوار
 کارانی ماهر بودند . آنان آفتاب را که به شکل پهلوانی با کلاه خود
 زرین ، کمائی کشیده و پیکان طلایی ، سوار بر اسبی بالدار و نیرومند
 تجسم می یافت پرستش می کرده اند و اسب را حیوانی خوشیمن
 دانسته با عشق و علاقه و دلسوزی خاصی تیمارش می داشتند . شاهت
 اسبهای داخها ، ماساگتها و پارتها با اسبهای "آخال تکه" و "میمبوت"
 امروزی توسط دانشمندان شوروی روشن شده است . افسانه های
 مربوط به خدایی که با اسب بالدار خویش در حرکت بود ، بعدها هنگام
 ظهور اسلام اساس روایت "علی بن ابی طالب و دلدل" گشت کسه
 در سطح بسیار وسیعی در میان ترکمن ها اشاعه یافته است .
 متأسفانه اطلاعات ما درباره سازماتها - که در کرانه شرقی بحر
 خزری زیسته اند - بسیار کمتر است .

داخها ، ماساگتها و بخشی از سازماتها احتمالاً نیاکان ترکمنهای
 کنونی اند ، بنظر برخی دانشمندان داخها حتی نیاکان تکه ها و
 سازماتها جدا دیموتها بوده اند .

سلجوقها

در اوایل سده یازدهم - در نتیجه جنگهای شدید طولانی علی -
 قبایل صحرائین (قیماق ها ، کیماق ها و...) اوغوزها از محدوده
 قزاقستان کنونی رانده شدند و دولت اوغوزها نیز از هم پاشید . بخشی
 از آنان به سوی باختر ، به دشتهای اوکرائین مهاجرت نموده و به
 تدریج در آنجا سکنی گزیدند و یا حتی دورتر از آن یعنی به سواحل
 "دون" و مجارستان نفوذ نمودند . روسها آنان را ترکها و یونانیان
 "اوز" (یعنی اوغوزها) می نامیدند . احتمال داده می شود که
 "پچنهک" ها و نیز بخشی از طوایف قایی ، بیاته بایندور و... نیز
 در این تغییر مکان شرکت ورزیده اند . در قرن یازدهم و دوازدهم
 اوغوزها ، شهری به نام "توجسک" در اوکرائین بنا نمودند . هرگز
 نام ترکمن ها به این بخش از اوغوزها اطلاق نشده است . ضمناً اوغوزهای
 نیز که به سوی باختر رفتند ، بعدها بتدریج جذب دیگر خلقهای اروپای
 شرقی گشته اند و آنان فقط شمار اندکی که در "بشارابی" زندگی
 می کنند ، به جای مانده است (قاقا اوزها) .
 بخشی از اوغوزها که به زور از سرزمینهای خود رانده شدند ، به سوی

جنوب به مناطق کشا ورزی آسیای میانه و ایران رفتند. در این —
یورشها و تها و زگرینها سلجوق ها — از قبایل ترکمن — نقش اساسی
داشتند.

سلجوق ها در اوایل قرن یازدهم در شمال بخارا می زیسته اند.
مورخین شرقی گاهی آنان را ترکمن ها و گاهی اوغوزها و بعضا سلجوق ها
نامیده اند. در قرن دهم میلادی سلجوق نامی از حکمرانان آنان
علیه حاکم مغول، علم طفیان برافراشت و پس از فرار شوردهماست
امیر بخارا قرار گرفت. به همه قبایلی که در این حادثه به همسراه
سلجوق گریختند و با بعدها به آنان پیوستند، "افراد سلجوق" و یا
"سلجوقیان" نام نهاده اند. آنان مانند بسیاری از ترک ها دیگر
دین اسلام را پذیرفته و بسیاری از عناصر تمدن یومی را جذب نمودند.
این افروزها یعنی سلجوقیان به مرور زمان به ترکمن ها موسوم شدند.
هر چند سلجوقها بعدها قدرت یافتند ولی در اوایل سده یازدهم تاب
مقاومت در برابر هجوم سایر قبایل ترک که بخشهای عمده آسیای
میانه و منجمله بخارا را به تصرف خود درآورده بودند. نیاورده و به
ناچار از حیون گذشته به سوی خراسان گریختند. در آن زمان سلطان
مسعود غزنوی بر مناطق شمال شرقی ایران حکومت می کرد.

سلطان مسعود به مقابله با سلجوق پرداخت. لشکریان اعزامی او
برای سرکوب سلجوق و افرادش شکست خورد و تا روما برگردید. سلطان
مسعود از پای ننشست و مجدداً به لشگرکشی علیه سلجوقیان پرداخت،
ولی لشکریان او برای بار دوم متهمزم گردیدند و سرداران سلجوق
تمامی خراسان را به تصرف خود درآوردند و پادشاهی سلجوقی را بنیاد
نهادند و مرو را به پایتختی خود انتخاب کردند.

با پیروزی سلجوقیان اوضاع تغییر یافت. تمامی اوغوزهای
آسیای میانه و برخی قبایل صحرائنشین بتدریج برگردا آنها جمع شدند.
همه این مردم — که به صدهزارتن بالغ می شدند — کم کم "ترکمنها"
خوانده شدند و همانند سایر قبایل و طوایفی که وارد ترکیب ترکمنها
گشته بودند، نام اوغوزها نیز بتدریج از یادها رفت و عمدتاً در روایات
و شجره نامه های قدیمی باقی ماند. در سده دوازدهم فقط به یکی از
طوایف ترکمن — طایفه ای که در حوالی بلخ می زیسته اند — و در
۱۱۵۲ میلادی علیه سلطان سنجر علم عصیان برافراشته اند، نسیم
"اوغوزها" اطلاق شده است.

بدین ترتیب روند تکاملی قوم ترکمن آغاز می شود. در ترکیب
ترکمنها عمدتاً اوغوزهایی که پس از فروپاشی دولت اوغوزها در
آسیای میانه بجا مانده بودند و نیز بسیاری از قبایل بیابان نشین
(خلجها، قارلیقها و...) وارد می شوند.

سرداران سلجوق تنها به تصرف خراسان اکتفا نکرده در جنگهای
استیلاگرانه جدید تمامی ایران، ماوراء قفقاز، عراق، سوریه،
آسیای ضعیف و همچنین سراسر آسیای میانه را به تصرف خود درآوردند.
آنان حتی امپراتوری روم را دچار شکستهای فاحش ساختند. و خود
امپراتور توسط سربازان ترکمن اسیر گشت. دولت سلجوقیان در نیمه

دوم قرن یازدهم به یکی از نیرومندترین دولت‌های جهان تبدیل شد. این دولت بر اساس غارت بی رحمانه مردمانی که در جنگ‌های خونین مغلوب گشته بودند، بنا شده بود. قبایل ترکمن که با نثار خون خود سرزمین‌ها و ثروت‌های جدیدی نصیب سلاطین خود نموده بودند، بتدریج از آنان متنفر شده و جهت خاتمه دادن به جنگ‌های بی پایان، علیه آنان سربه شورش برداشتند، بدین ترتیب این دولت عظیم در اواخر قرن یازدهم از هم پاشید.

در طول جنگ‌های تجا و زگرانه سلجوقیان شمار کثیری از ترکمن‌ها به سرزمین‌های فتح شده بویژه به خاور نزدیک (آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر و بعضی مناطق عراق و سوریه) رفتند. بعدها بخشی از ترکمن‌ها از آن‌هم فراتر رفته حتی به اراضی حبشه (اتیوپی کنونی) نیز نفوذ نمودند. بخش قابل توجه دیگری از ترکمن‌ها به رهبری خانهای "خلج" در قرن دوازدهم وارد هندوستان شده در جلگه‌های حاصلخیز سند و گنگ اسکان یافتند. "بختیار" نامی از سرداران "خلج" و فرزند آن وی مدتها در بنگال حکومت کردند و از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ میلادی پادشاهی کل هندوستان در دست سرداران خلج بود. سرکردگان ترکمن در قرن‌های ۱۵-۱۲ نقش برجسته‌ای در تاریخ سیاسی هند ایفا نمودند، اما ترکمن‌هایی که به هندوستان کوچیده بودند، بتدریج با قبایل گوناگون افغان و ترک و بومیان هندوی درآمیخته، در میان جمعیت عظیم بومی، پخش و حل گشتند.

بخش دیگری از ترکمن‌ها یعنی ترکمن‌های "سمیرچیه" و آسیای مرکزی (قارلیق‌ها، آربوها، توخسی‌ها و...) در حرکت سلجوقی همکاری نکردند. اینان رابطه بسیار ضعیفی با ترکمن‌های دیگر داشتند. بعدها نام ترکمن‌ها در آسیای مرکزی بطور کامل فراموش شده و نام اوغوزها نیز از آسیای میانه ناپدید گردید.

بدین ترتیب یکی از قدیمی‌ترین اقوام ترکمن که در قرن‌های دهم و یازدهم میلادی گام در راه تکوین و تکامل گذاشته بود، قبل از اتمام این پروسه متلاشی گشت، فقط بخشی از ترکمن‌ها در آسیای میانه باقی ماندند، ولی اکثر آنان به خاور نزدیک، هندوستان و آسیای مرکزی رفته در آنجا اسکان گزیدند، آنان با بومیان درآمیخته و در آن‌ها حل شدند.

بخشی از ترکمن‌ها که در قرن یازدهم و بعدها در سرزمین خویش در آسیای میانه باقی ماندند، از بوته آزمون تاریخ مستحکم و مقاوم بیرون آمدند و خلق ترکمن امروزی از آنان بوجود آمد.

آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن

پیدایش نام ترکمن ها

اراضی و مناطق ترکمن نشین کنونی (در اتحاد شوروی، ایران و افغانستان) از زمانهای قدیم عرصه تاخت و تازهای متوالی پادشاهان و حکام گوناگون بوده است. ۲۵۰۰ سال پیش پادشاهان ایران مردمان دامنه کوههای کویت و استانهای حاصلخیز کناره های مرقاب و حیون را تحت تابعیت خود درآوردند. اما در جنگ علییه طوایف صحرا نشین بارها دچار شکست های سنگینی نیز گشته اند. اسکندر مقدونی استیلاگر نامی یونانی و فاتح سرزمین ترکمنها در جنوب نزدیک به ۲۳۰۰ سال پیش، نتوانست صحرا نشینان را مطیع خود سازد. اقوام کشاورز پارتها و مارگیاناییها که مغلوب استیلاگران گشتند پیوسته در آرزوی آزادی بوده اند. ۲۵۰ سال قبل از میلاد یکی از سرداران بومی، موسوم به "آرشاک" (اشک) با یاری داخه های بخش سفلی تجن علیه یونانیان شورید و به دنبال پیروزیهای پی در پی شاهنشاهی بسیار بزرگ پارتها (اشکانیان) را - که بیش از ۵۰۰ سال دوام آورد - بنیان نهاد.

در قرن سوم میلادی پارتها مغلوب شده و تار و مار گردیدند و مناطقی که قسمتهایی از شمال و شمال شرقی ایران کنونی را در بر می گرفت در نتیجه سیاستهای فاتحین بتدریج نام "خراسان بخود گرفت. ساکنین این استان که فرزندان پارتها، مارگیاناییها و احتمالاً داخه های بوده اند از سده های چهارم و پنجم میلادی اکثر با نام عمومی خراسانی ها شناخته شده اند. اینان به زبانی نزدیک به زبان فارسی و تاجیکی - که از شاخه های زبان فارسی است - تکلم می نمودند.

خراسانی ها در کوهها و روستاها زندگی کرده، عمدتاً به زراعت و پیشه وری اشتغال ورزیده اند. در میان آنان سوداگران نیز بوده اند. در قرنهای ۱۰ - ۶ میلادی خراسان دارای تمدنی عالی بوده است. و شعراء، دانشمندان، معماران زبردست و استادان حرف گوناگون در آن می زیسته اند. بخشی از خراسانی ها و خوارزمی ها بعدها بتدریج با ترکمن ها درآمیخته اند. بهمین جهت نیز خلق ترکمن یکی از

میراث داران راستین تمدن خراسان و خوارزم بوده است .
در سال ۶۵۱ میلادی خراسان و سپس خوارزم به تصرف استیلاگران
عرب درآمد . اعراب مهاجم دین اسلام را با خود به این منطقه آوردند .
بخشی از اعراب و عمدتاً اعراب بدوی در بیابانهای قلمرو جنوبی
ترکمن ها اسکان گزیده بعدها وارد ترکیب ترکمن ها گشتند . خلفای
عرب تا اوایل قرن نهم بر این منطقه حکم راندند و سپس حاکمیت
به حکام بومی یعنی امیران خراسان و شاهان منتقل گردید .

مقارن با این دوره اتفاقات مهمی در صحراهای متصل به
دریاچه آرال و دریای خزر رخ داد . رشد مالکیت خصوصی بردا مها و جاهها
پیدایش طبقات و مبارزه طبقاتی در میان کوچ نشینان ، تشدید
جنگها و برخورد ها میان طوایف ، چپا و لگری و لشگرکشی به مناطقی
دور دست ، سبب پیدایش و نیز فروپاشی اتحاد های گوناگونی در میان
طوایف صحرا نشین می گشت . این امر در حال به آمویش بیشتر
طوایف با یکدیگر منتج می شد .

قریب به دو هزار سال پیش " آلانها " که از اسلاف ساوما تها و
ما ساگنها بودند در صحراهای قلمروی ترکمن ها جایگاه و موقعیت بسیار
مهمی کسب کردند . آلانهای ساکن دشتهای شمال قفقاز و کوهپایه ها ،
دامدار بوده و بخشی نیز به کشت و زرع اشتغال داشته اند . آنان با
اسبها و جنگجویان بی باک خود مشهور بودند . آلانها شمشیر آهنی را
ستایش می کردند .

بقایای این آیین به صورت تقدیس " جوهر پیهاق " یا " جوهر
قلیح " (نوعی کار دریا شمشیر آهن سخت) هنوز نیز در میان ترکمن ها
حفظ شده است . آلانهای یکی از جد ادا طلی ترکمن ها (همچنین بخشی از
کوه نشینان قفقاز) محسوب می گردند . اگر بخواهیم دقیق تریان
کنیم ریشه طایفه " یازر " - از طوایف قدیمی ترکمن - احتمالاً
به " یاس ها " (یکی از شاخه ها آلانها) می رسد . طایفه ترکمنی یازر
بعدها به نام " قره داشلی " نامیده شده است . آداب و سنن آلانها
مثلاً عادت شکل بیضوی دادن به سرچه ها از طریق بستن مداوم آنها
با دستمال تا همین اواخر در بین ترکمن ها حفظ گردیده بود . استفاده
از کلاه پوستی (تلپک) ، پوشیدن " قزیل دون " (قبای سرخ) و بسیاری
از اجزاء زین و برگ اسب و ... احتمالاً از آلانها به ترکمن ها رسیده
است .

حدود ۲۰۰۰ سال قبل و یا بیشتر از آن ، طوایف مختلف دامدار و
کوچ نشین ، مغول ، که با قد کوتاه و چشمانی مورب و کوچک متمایز
می گشتند ، از آسیای مرکزی وارد بیابانهای متصل به دریاچه
آرال و خزر شدند . نخستین آنها " هون " ها بودند که با ما ساگنها
در آمیخته و " افتالیتها " را پدید آوردند . احتمال می رود که
اینان نیاکان ترکمن های " ابدال " و بعضی طوایف افغانستان
باشند . در پیدایی خلق ترکمن مهمترین نقش را ورود " اوغوزها " و
" قارلیقها " و بسیاری دیگر از طوایف ترک به آسیای میانه (از قرن ۶
میلادی به بعد) ایفا نمود .

چنانکه در بالا ذکر شد در پروسه تکوین و تکامل خلق ترکمن از بین همه طوایف ترک، اوغوزها نقش برجسته‌ای ایفا کردند. آنان در قرون ۸-۶ میلادی در آسیای میانه ظاهر شده، بتدریج تقریباً در تمامی صحراهای آسیای میانه و بخش بزرگی از قزاقستان (یکی از جمهوریهای کنونی اتحاد شوروی) پخش گشته، طوایف کوچ نشین آنان، یاسها و... را تحت تبعیت خویش درآوردند و با آنان درآمیختند.

"اوغوزها" که به طوایف متعددی تقسیم می شدند در قرن دهم دولت بزرگ اوغوزها را بوجود آوردند. حکمران آنها موسوم به "یایغو" در شهر "ینگیکنت" در بخش سیفای رود سیحون اسکان داشت، بخش عمده اوغوزها دامدارای می کرده، بز و گوسفند، اسب و شتر پرورش می داده اند. آنان در صحراها "الاجیقهایبی" با پوشش پردوام (موسوم به قارا اوی) می زیسته اند. در میان اوغوزها در مناطق گرمسیری کشتی و رزاق و ماهیگیران نیز بوده اند. اوغوزها بمثابه سوارانی شگفت انگیز و تیراندازانی زبردست شهرت داشته اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها را دامداران و کشتا و رزاق آزاد تشکیل می داد، ولی در میان آنان بردگان نیز بوده اند.

در میان اوغوزها روایتی در باره تاریخ طوایفشان وجود داشته است، بطور مثال روایتی در باره "اغوزخان" بنیانگذار و سرسلسله اوغوزها و نیز پدر قهرمان و افسانه‌ای آنان، و نیز در باره جنگجوی نامدار "سالیرقازان" و وزیر خردمند او "قورقوت آتا" و دیگران. اینکه بخش قابل توجهی از اوغوزها را طوایف قدیمی صحرانشین آسیای میانه (مانند آلانها و...) تشکیل داده اند، حقیقتی تردیدناپذیر می باشد. بهمین سبب نمی توانیم اوغوزهای آسیای میانه در قرون نهم و دهم را طوایف خالص ترک ارزیابی کنیم.

بخشی از آنان بویژه ساکنین نواحی سیفای سیحون و بنیابنهای قزاقستان مرکزی امروزی از نژاد مغول بوده اند. (جغرافی دان عرب آنها را کوتاه قدودارای چشمانی تنگ توصیف نموده اند)

ما در میان نامهای طوایف اوغوزها به اسامی زیادی برمی خوریم که در میان ترکمنها وجود دارد. بطور مثال می توان به اسامی سالیر (سالور)، بیات، قایی (از طوایف قبایل گوکلان)، "ایگدر"، "بایندر" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان و ابدال)، بکدلی (بیگدلی)، کارکیمن (قارقیمن)، "توتورغا" یا "دودورغا" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان) و برخی دیگر اشاره کرد.

بسیاری از تاریخ نویسان بر این اساس معتقدند که در میان اوغوزهای قرون نهم و دهم ترکمنها نیز بوده اند. اما این ادعا چندان به حقیقت نزدیک نیست. در واقع اوغوزهای یکی از نیاکان ترکمنها بوده اند. باید توجه کنیم که اولاد آنها بخشی از اوغوزها بعداً ترکمن نام گرفته اند. ثانیاً نه تنها اوغوزها بلکه نمایندگان طوایف و قبایل زیادی وارد ترکیب ترکمنها گشته اند. بدین ترتیب بخشی از نیاکان ترکمنها بومیان کشتا و رزودا مدار ساکن در مناطق ترکمن نشین امروزی بوده و بخش دیگر قبایل ترک زبانی از نژاد مغول بوده اند که عمدتاً به دامدارای اشتغال ورزیده و از آسیای

مرکزی (آلتایی ، سین کیانگ و مغولستان) به محدوده ترکمن نشین امروزی (درشوروی ، ایران و افغانستان) آمده اند .
 نام "ترکمن ها" برای نخستین بار در اسناد و تاریخ ادبیات ۱۲۰۰-۱۰۰۰ سال قبل ثبت شده است . در پاره ای اسناد درباره تصرف آسیا توسط اعراب و نیز در دایرة المعارف تون - دیانگ چین - که در قرن هشتم تنظیم شده - از ترکمن ها نام برده می شود مقدسی جغرافی دان نامی عرب در اثر معروف خود از ترکمن های ساکن "سمیرجیه" سخن گفته است که رهبران آن در شهر "اردو" زندگی می کرده است . نظام الملک سیاستمدار مشهور ایران نوشته است که ترکمن ها در اواسط قرن دهم در دشت های خراسان زندگی کرده اند . در آن زمان واژه "ترکمن ها" به معنی "پراکنده" بکار می رفت . می توان گفت که نام ترکمن ها به بخشی از قبایل صحرائین ترک زبان (اوغوزها ، قارلیق ها و ...) مناطق زراعی آسیای میانه یعنی (محدوده های قرقیزستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، افغانستان کنونی و ...) اطلاق می شده است ، که تمدن همسایگان کشاورز خویش را جذب و تداوم بخشیده و نیز زودتر از سایر قبایل ترک زبان ، اسلام آورده اند .
 (۲) - طوایف بیات ، قایسی ، یایندور ، بیگدلی و دودورغا جز طایفه گولکان می باشند که اکنون در ترکمن صحرای ایران اسکان دارند . خواه رشیدالدین فضل الله درباره طوایف نامبرده در اثر مشهور خود جامع التواریخ به تفصیل سخن گفته است . ایگدرهانی نیز در حومه گنبدکا ووس ایران زندگی می کنند .

(۱) - شماره و نام این روایات را خان خبوه "ابوالغازی" در اثر خود به نام "شجره نسل ترکمن ها" (قرن ۱۷) آورده است .

تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن

مقدمتاً باید به سرنوشت ترکمن هایی که در زمان حرکت سلجوقیان در آسیای میانه باقی ماندند اشاره شود. آنها عمدتاً عبارت بودند از قبایل و طوایف مختلف اوغوزها مانند یازیر (یا زر) ، سالیر (سالور، سالار) ، بایات (بیات) ، چوودیر، کاکین (قارقین) ، ایگدیر (ایگدر) ، کایی (قایی) ، توتورغا (دودورغا) ، بگدلی (بگدلی) - بیگدلی) و ...

اولاً بسیاری از آنها بطور عمده زندگی اسکان یافته اختیار نموده و در عین اشتغال به دامداری به کشاورزی نیز می پرداختند و متناسب با این وضعیت ، افراد نیز به چومورها (کشا ورزان تخته قاپسو) و چارواها (دامداران کوچ نشین) تقسیم گردیده اند.

ثانیاً آنان هنگام گذار به زندگی اسکان یافته به جهت آنکه در جوار خراسانی ها و خوارزمی ها تخته قاپوسکنی گزیدند ، در پیروسیه کار و زحمت با آنان نزدیک شدند. این نزدیکی تاثیر خود را بر شیوه تولید، زندگی، فرهنگ و تمدن و زبان آنان به جای می نهاد. اوغوزها پیشه وری و کشا و رزی را از خراسانی ها فرا گرفتند و بسیاری از واژه های آنان را در زبان خود داخل کردند. خراسانی ها نیز به نوبه خود خیلی چیزها (بویژه در زمینه دامداری) و نیز عرف و عادات و واژه ها را از همسایگان جدید خود کسب نمودند. اقوام کشا و رز و صحرانشین از طریق نزدیکی بهم، یکدیگر را در عرصه تولید و تمدن غنی ترمی نمودند.

محمودکاشغری دانشمند ترک در قرن یازدهم میلادی چنین نوشته است: "آنان (غزها) زمانیکه با پارسیها در آمیختند، بخشی از واژه های خود را فراموش نموده بجای آن شروع به استفاده از کلمات پارسی نمودند" محمودکاشغری بعنوان نمونه بسیاری از واژه های مزبور را در اثر خود آورده است. تقریباً تمامی این واژه ها کلمات مربوط به کشا و رزی و پیشه وری است.

در قرنهای یازدهم و دوازدهم خراسانی ها و خوارزمی ها بدون تردید هم از نظر شمار بر اوغوزها فزونی داشتند و هم از نظر درجه رشد در مراحل بالاتری بودند.

اما یورش وحشیانه لشکریان چنگیز خان در سال ۱۲۲۰ میلادی اوضاع را از اسان
 دگرگون کرده و کشاورزان و مردمان شهرتشین که بخشی قتل عام شده و بخشی
 نیز به اسارت درآمدند، متحمل ضایعات بزرگی گشتند. شهرهای خراسان
 و خوارزم ویران گردید و بسیاری از آنها از سکنه خالی شد. شبکه های
 آبیاری زیادی منهدم گشت، و برپیکر تمدن کشاورزی آن سامان
 ضربات سنگینی وارد آمد. در تولید امداد برای جایگاه نخست را از
 کرد و قبایل کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی که ترک نامیده می شدند
 بتدریج در امور اقتصادی نقش اصلی را ایفا کردند. این قبایل که
 بخشی از آنان به زندگی اسکان یافته گذارنموده بودند در قرنهای
 ۱۳-۱۵ بطور عمومی ترکمن ها نامیده می شدند. بقایای مردم کشاورز
 فارسی زبان ساکن در مناطق ترکمن ها نیز بتدریج در میان ترکمن ها
 حل شده زبان آنان را می پذیرند و خود را ترکمن می نامند.
 قلمرو ترکمن ها در جنوب ترکمن صحرای کنونی ایران و مناطقی از
 خراسان در قرنهای سیزدهم و چهاردهم تحت سلطه ایلخانیه (هلاکو خان
 مغول و اقبابوی) درآمد و بعد از آن نیز تحت تسلط تیمور
 لنگ و خاندان وی قرار گرفت. در این دوره مناطق شمالی (استان
 ترکمنستان شوروی امروزی) نیز تحت فرمان خانهای "آلتین اردو"
 (اردوی طلائی) بوده و گهگاه (بویژه در قرن پانزدهم) به استقلال
 نیز دست می یافته است.

مناطق جنوبی در دوره تسلط مغولها، شدیدترین تهاجمات و
 ویرانی ها را متحمل شد و تا مدتها توانایی جبران خسارات وارده را
 نداشت. در این سرزمین بیابانها، سحرها و برخی دیگر از قبایل
 ترکمن و نیز بقایای خراسانیهای ساکن، که بسیاری از عادات و
 زبان آنان را پذیرفته بودند، زندگی می کردند. در بسیاری از شهرها
 و مناطق روستایی دامداری که زندگی اسکان یافته اختیار نموده
 بودند، در طی زندگی مشترک با بومیان کشاورز قبایل مشترکی را
 تشکیل می دادند، قبایل ترکمن، نوخوری، "مویرجه لی"، "اتولی"
 "مهبین لی"، "مختوم" و برخی دیگر بدینگونه شکل گرفتند.

بخش عمده ترکمن ها در آن زمان در مناطق شمالی می زیستند.
 در قرن سیزدهم قبایل گوناگون از دست مغولان مهاجم به اعمق
 بیابانها پناه بردند. همچنین بقایای قبایل قدیمی اوغوز و سالیرها
 چوودورها، ایگدرها، ارساریها (که به نام سرکرده خود ارساری بای،
 ارساری نامیده می شدند) همه در آن مناطق گردآمده بودند، و رفته
 رفته به کشاورزی اشتغال یافتند.

در زمان هجوم مغولها، آب رودخانه جیحون از کناره های آن سرریز
 شده، به سوی غرب جریان یافته، جلگه بیکران "ساری قامیش" را
 سیراب می نموده است. دریاچه بزرگی از آب شیرین نیز در این
 محل موجود آمده بود. ترکمن ها و ساکنین فراریانی که از طوایف مختلف
 بودند در "ساری قامیش" گردآمده، با احداث شبکه های پیچیده
 آبیاری به زراعت پرداختند. به کمک شبکه های آبرسانی "بیش از ۵۰
 هزار هکتار زمین آبیاری می گشت. بخشی از مردم نیز به پیشه وری

وبخشی دیگر به دامداران پرداخته اند، چاهها و آبگیرهای خشک شده‌ای که اکنون در آن منطقه وجود دارند، خود بیانگر آن است که روزگاری انسانهای زحمتکش زیادی در این نواحی زیسته‌اند. در واقع نیز در مناطق شمالی بحرسالیرها، چوودیرها، ایگدرها، ارساری‌ها، خیزرلیها، آلیلی‌ها قبایل دیگرترکمن چون تکه، یموت، گوکلنگ، یمیرلی، آراباچی، آتاو... نیز زندگی کرده‌اند. از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که در واقع این منطقه خشن محل نشوونمای خلق ترکمن بوده است.

اتمام پیروسی تکوین قوم ترکمن مربوط به قرنهای ۱۵-۱۴ می‌باشد. در آن دوره وحدت قبایل صحرائشین - که زندگی اسکان یافته اختیار نموده بودند - با بقایای مردمان تخته قاپوی قدیمی در جنوب آسار پایان یافت. مقارن با آن در شمال نیز مردمانی که از دست ستم خانهای مغول جلای وطن کرده و به این مناطق آمده بودند، قبایل جدیدی تشکیل دادند.

اوغوزها و نیز مردم اسکان یافته خراسان شمالی که با آنان آمیزش یافتند، نیاکان اصلی ترکمن‌ها هستند. بجز اینها ما در ترکیب ترکمن‌ها با نامهای شناخته شده‌ای چون ابدال، عرب، قالمیق، قپچاق، قارلیق (قارالوق)، مغول، تاتار، مرکیت، موکری، آغار، گرایلی (گرایلی، گرمی)، خلج و قبایل دیگر برخورد می‌کنیم. این نامها متعلق به قبایلی است که زمانی در محدوده ترکمن‌ها می‌زیسته و به قبایل ترکمن پیوسته‌اند.

برخی طوایف ترکمن (مانند طوایف سبیدیا سید، شیخ، خوجه) احتمالاً در رابطه با روحانیون مسلمانانی که در سرحادات قلمرو ترکمنها می‌زیستند بوجود آمده‌اند. بدین ترتیب تکوین و تکامل خلق ترکمن همانند سایر خلقها پیچیده بود. از نژادها و قبایل گوناگونی که با هم آمیخته، به مجموعه واحد پیوسته‌اند و هم‌دیگر را غنی ساخته‌اند بوجود آمده است.

پیدایش قوم ترکمن در قرنهای چهاردهم و پانزدهم با شرایط معینی مشروط گشته بود، این شرایط عبارت از این بود که در جوار حفظ بقایای نیرومند ساختار قبیله‌ای، روند تکاملی فتودالیزم نیزه تهادرمیان اهالی اسکان یافته، بلکه در میان مردم کوچ نشین صحراها نیز پایان یافت.

پس از آن در قرنهای ۱۸-۱۴ قبایل ترکمن‌های شمال به دنبال خشکیدن تدریجی دریاچه ساری قامیش و ازسوی دیگر تشدید حملات لشکریان خانهای ازبک، قالمیق و قزاق به سوی جنوب سرآزیر شدند. در قرن ۱۶ آلیلی‌ها، گوکلنگ‌ها، یمیرلی‌ها و برخی دیگر، در قرن ۱۷ ارساری‌ها و سالیرها و ساریق‌ها در قرن ۱۸ تکه‌ها و بخشی از یموتها نیز به جنوب مهاجرت نمودند. درست در همان قرن بخش دیگری موتها در غرب خوارزم (استان داش حووض فعلی در ترکمنستان شوروی) به زندگی اسکان یافته گذار نمودند. و در اوایل قرن ۱۹ چوودیرها نیز با آنان پیوستند. اینگونه مهاجرت‌ها به جنگهای بین قبایل منجر شد. در

نتیجه این جنگها یا زرها (قره داشلی ها) ، بمرلی ها و بخشهایی از آلیلی ها به خوارزم و بخش دیگر به افغانستان رفتند. بسیاری از قبایل ترکمن نیز بارها زیستگاه خود را تغییر دادند. بخشی از آنان (عمدتاً چوودیرها) در اوایل قرن ۱۷ حتی به روسیه مهاجرت کردند.

پراکندگی قبایل ترکمن مورد استفاده وسیع دولت‌های فئودالی همجوار همچون شاهان ایران، خانهای خیوه و بخارا قرار می گرفت. آنها می کوشیدند تا با انواع شیوه‌ها تخم دشمنی و نفاق میان ترکمن‌ها بپاشند و آنان را به زانو در آورند.

چنین وضعیتی در وجود فرزانه‌ترین و آینده نگرترین افراد ترکمن از جمله مختوم‌قلی شاعر و اندیشمند بزرگ ترکمن - کسه ترکمن‌ها را به اتحاد، برای رفع ستم بیگانگان و ایجاد دولت مستقل خویش فرار می خواند. تا سرف و خشم و کین عمیقی می آفرید. اما این آرزوی شاعر، به تنهادر حیات وی، بلکه حتی پس از گذشت صدسال از درگذشتش نیز تحقق نیافت. پراکندگی خلق ترکمن، تمایز طوایف مختلف بوسیله برخی آداب و رسوم، لباس و نوع مسکن و اختلاف گویش‌های قبایل مختلف - که گاهی سبب دشمنانگاشتن یکدیگر می شد، مدت‌ها ادامه داشت.

به راستی علت اینکه خلق ترکمن در آن زمان موفق نشدند به این پراکندگی‌ها چیره شود چیست؟ علت اصلی را باید در عقب ماندگی اقتصادی ترکمن‌ها جست. تا اواسط قرن نوزدهم دامداری - کسه بدون تهیه و ذخیره سازی علوفه انجام می گرفت - و وجود اقتصاد روستایی عقب مانده - بدون سیستم صحیح کشاورزی و استفاده از ابتدایی‌ترین ابزار و تاسیسات آبیاری - پایه اقتصادیات ترکمن‌ها را تشکیل می داد. همچنین از صنایع دستی درخور توجه نیز خبری نبود. و شهرهایی که بتوانند به مراکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عموم ترکمن‌ها تبدیل گردند، وجود نداشت. قبایل ترکمن در زمینه اقتصادی روابط سستی با هم داشتند. ترکمن‌های خوارزم با خیوه ترکمن‌های کناره جیحون یا بخارا، ترکمن‌های دامنه "کویت داغ" و حومه اترک با ایران و ترکمن‌های مانقشلاق با روسیه دادوستد می نمودند، ولی در عین حال تقریباً هیچگونه دادوستدی میان خود نداشتند.

اما علیرغم همه اینها آنان دارای نکات مشترک بسیار زیادی بودند. همه زبان یکدیگر را بخوبی می فهمیدند، تقریباً لباس مشابهی می پوشیدند. وجوه تشابه متعددی در آداب، سنن، شیوه زندگی و اقتصاد آنان وجود داشت. همه ترکمن‌ها به اشعار مختوم‌قلی و حماسه "کور اوغلی" و داستانهای دیگر افتخار می کردند. مضاف بر آن کم نبود مواقعی که آنان از ترس تهاجم بیگانگان هر چند بطور گذرا متحد می شدند، هر چند این اتحادها هرگز نتوانست قوام یابد و پایدار گردد. خلاصه کنیم: اقتصاد عقب مانده و طبیعی امکان نداد تا قوم ترکمن بیش از پیش رشد نمود، انسجام یافته و به "ملت" تبدیل گردد.

پیدایی ملت سوسیالیستی ترکمن

الحاق بخش شمالی قلمرو ترکمن ها به امپراطوری روسیه در نیمه دوم قرن نوزدهم (۱۸۸۵ - ۱۸۶۸) به لحاظ پیامدهای بعدی آن حادثه مهمی در تاریخ خلق ترکمن بود. علیرغم مضمون ارتجاعی و نظام استعمارگرانه تزاریسم، الحاق بخش شمالی به روسیه سبب پیدایی عناصر متمدنی در زندگی این خلق گشت. پروسه جذب این مناطق به سیستم سرمایه داری آغاز گردید. آزمون اراضی مزبور خط آهن کشیده شده و شهرهایی با روابط سرمایه داری در اطراف آن بوجود آمد. در شهرها کارگاه های صنعتی تاسیس شد. طبقات جدید اجتماعی یعنی پرولتاریا و بورژوازی پایه میدان نهادند. کشاورزی نیز تحت تاثیر متاسبات سرمایه داری دگرگون گشت و تولید غله و پشم و بویژه پنبه بمانند کالای رشد بسیار سریعی آغاز کرد. بخشی از ثروتمندان ترکمن، ثروت خود را در روابط بورژوایی بکار انداخته، روابطی با بانکهای روس برقرار ساختند و به تاسیس آسیابهای بخاری، کارخانه های آجر پزی و حتی پنبه پاک کنی پرداختند.

رشد تولید کالایی و ایجاد روابط سرمایه داری یکپارچگی ترکمن - ها را تسریع کرد و به پروسه تبدیل ترکمن ها به یک ملت بورژوایی یاری رساند. اما این پروسه تا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به پایان نرسید. زیرا درجه رشد اقتصادی - اجتماعی خلق ترکمن هنوز در سطح لازم نبود و این انقلاب کبیر اکتبر بود که همانند دیگر خلقهای داخل محدوده امپراطوری روسیه خلق ترکمن را نیز به شاهراه ترقی و سعادت سوق داد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نظام سرمایه داری و ستم ملی را در روسیه برای همیشه به گور سپرد. حزب کمونیست لنینی مبارزه بخاطر رشد اقتصادی و شکوفایی فرهنگی ملت های عقب مانده و از آن جمله ملت ترکمن را گسترش داد. اکتبر کبیر سرآغاز زبیدایش و تکامل و شکوفایی ملت های جدید سوسیالیستی گردید و همیاری برادرانه این ملت ها را در کار ساختن سوسیالیسم و کمونیسم بنیان نهاد.

از سال های ۱۹۱۸ - ۱۹۱۷ طبقه کارگر انقلابی روسیه تحت رهبری حزب بلشویک ها اتحاد با دهقانان ترکمن را آغاز کرد و در تحکیم آن تلاش نمود. پروسه جذب دهقانان ترکمن به سوراها، ارتش سرخ و

نیز جذب پیشروترین آنان به حزب آغا زگشت .
 از سوی دیگر فئودالها و سرمایه داران ترکمن در مخالفت با منافع
 خلق ترکمن با استعمارگران (گارد های سفید روسی و امپریالیستهای
 انگلیسی) متحد شده ، آشوب های ضد شوروی در ترکمنستان بیا کردند .
 جنگ داخلی را آغاز نمودند . زحمتکشان ترکمن بزودی به ماهیت
 دشمنان مردم پی بردند و دوشادوش کارگران و دهقانان روسیه
 در تحکیم انقلاب تلاش کردند . دسته های ترکمن تحت رهبری قیزیل خان
 از جن " ، الله یار قربان افاز " قارلی قبالا " و نیز دسته های عشق آباد
 و " مرو " به ارتش سرخ پیوستند و از میان آنان بعدها " بریگادسواره
 ترکمن " تشکیل گردید . ترکمن های خیوه و بخارا نیز به مبارزه انقلابی
 پیوستند . ترکمن های ساکار (ساقار) و سایا دبه رهبری " باشم سردار "
 علیه امیر بخارا و ترکمن های کهنه اورگنج علیه " خان چنید " -
 خان خیوه - به مبارزه برخاستند .

در نتیجه اتحاد رزمجویانه زحمتکشان روس و ترکمن و ... در سال
 ۱۹۲۵ حاکمیت شوروی در تمامی اراضی ترکمنستان استقرار یافت
 و خلق ترکمن نیز دوشادوش تمامی خلقهای شوروی در راه ساختمان
 کمونیسم گام نهاد .

در سال ۱۹۲۱ نام استان ماوراء خزر ترکستان به استان
 ترکمنستان تغییر یافت . و در سال ۱۹۲۴ بر اساس وحدت استان

ترکمنستان جمهوری ترکستان با نواحی ترکمن نشین بخارا و خوارزم
 جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان تاسیس یافت . جمهوری
 مستقل ترکمنستان در سال ۱۹۲۵ به اتحاد جماهیر شوروی پیوست و
 همزمان با این رخدادها در سال ۱۹۲۴ حزب کمونیست ترکمنستان نیز
 تشکیل یافت .

تشکیل دولت سوسیالیستی ترکمنستان بمثابه واقعه ای بزرگ و
 برجسته در تاریخ خلق ترکمن ثبت شده است . این جمهوری که مردمان
 پراکنده ترکمن را در خود متحد می ساخت شرایط مساعدی را جهت بنای
 سوسیالیسم در ترکمنستان و نیز رشد و تعالی ملت سوسیالیستی ترکمن
 فراهم آورد . عوامل زیر برای تأمین این رشد و تعالی ضرورت داشت :
 ۱ - ضرورت ایجاد طبقه کارگر ترکمن بمثابه نیروی رهبر ملت
 سوسیالیستی .

۲ - ضرورت نابودی طبقات استثمارگر (کولاک ها ، اشراف و بقایای
 خانها)

۳ - ضرورت غلبه بر پراکندگی قبیله ای - طایفه ای خلق ترکمن ،
 پایان دادن به خصومت های دیرپا میان طوایف ، قبایل و اقوام
 مختلفه تکمیل پروسه ایجاد زبان مشترک و همگانی ادبی و محاوره ای
 ترکمنی و فرهنگ ملی سوسیالیستی و ... و نیز ایجاد روشنفکران ملی
 شوروی .

۴ - ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان در درون ملت و تبدیل
 آن به دوستی و برادری خلل ناپذیر .

۵ - ضرورت تحکیم دوستی میان زحمتکشان ترکمن با زحمتکشان
تمامی کشور، غلبه بر کلیسه مظاهر ناسیونالیسم، خصومت‌ها
و اختلافات ملی و نیز ارتقای اتحاد ملی به دوستی و برادری خلل‌ناپذیر.
تمامی وظایف فوق درپروژه ساختن سوسیالیسم تحت رهبری
حزب کمونیست تحقق پذیرفت.

طبقه کارگرترکمن در اوایل دهه ۳۰ بوجود آمد. شمار کارگران
ترکمن در سال ۱۹۳۶ تقریباً ۱۰ هزار نفر بود. طبقه کارگر ملی که بر
اساس سیاست لنینی حزب کمونیست و در دوران حکومت شوروی بوجود
آمده توسط سازمانهای حزبی رهبری می‌گشت به ادعای بورژوازی
ملی، خانها و ثروتمندان جهت کسب موقعیت رهبری در جامعه ترکمن
الی الابدخا تمه داد و به محور و ستون فقرات ملت سوسیالیستی ترکمن
مبدل گشت.

کلکتیویزاسیون (جمعی کردن) کشاورزی در رشد و تکامل ملت
سوسیالیستی ترکمن نقش بسیار عظیمی ایفا کرد. دهقانان ترکمن که
تقریباً ۹۲ الی ۹۳ درصد تمامی خلق ترکمن را تشکیل می‌دادند تا
اواسط دهه ۲۰ از نظر سیاسی هنوز از رشد بسیار کمی برخوردار بودند.
وبخشی قابل توجهی از آنان هنوز تحت تاثیر روحانیون و خانهای
قبایل قرار داشتند. اصلاحات ارضی در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵ گام سیاسی
بزرگی در جهت جذب دهقانان به طرف حکومت شوروی بود. در سایه
کمک مستقیم طبقه کارگر و تحت رهبری حزب از سال ۱۹۲۹ امر سر
کلکتیویزاسیون گسترش یافت. روستاها با مدرنترین تکنولوژی
کشاورزی بجای گاوآهن، وایستگاههای ماشین و تراکتور... تجهیز
شدند. در اواسط دهه ۳۰ امر ساختن کالخوزها با موفقیت تمام در
ترکمنستان به پایان رسید.

درپروژه جمعی کردن کشاورزی بقایای کولاکها و فئودالها و خانها
نابودگشتند. این امر شرایط مساعد بسیاری برای شکوفایی جامعه
فراهم آورد. در ترکیب اجتماعی ملت ترکمن تنها دو طبقه دوست
یعنی طبقه کارگر و دهقانان کالخوزی و نیز روشنفکران ملی بجای
ماندند.

در دوران بنای سوسیالیسم در ترکمنستان انقلاب فرهنگی و
ومدنی نیز گسترش یافت. مدارس زیاد و فراگیر، آموزشگاههای عالی،
روزنامهها و مجلات به زبان مادری بوجود آمد. ادبیات ترکمنی شوروی،
تئاتر ملی، موسیقی، هنر و سینما... بطور موفقیت آمیز رشد کردند.
زبان ادبی و فراگیرترکمنی کمال یافت.

درپروژه رشد اقتصادی و انقلاب فرهنگی ترکمنهای قبایلی
مختلف با هم درآمیختند. تفاوتهای دیرینه قبیله‌ای کم رنگ تر
شد. تعداد کثیری از ترکمنها به زندگی در شهرها پرداختند. "عشق آباد"
پایتخت جمهوری ترکمنستان به مرکز ملی اقتصادی و فرهنگی تمامی
خلق ترکمن مبدل گشت. و در کنار آن دوستی خلق ترکمن با سوسیالیسم
خلقهای شوروی مستحکم تر گشت.

ملت سوسیالیستی ترکمن، بهترین صفات قدیمی مردم ترکمن،

چون صداقت، شجاعت، عزت نفس، آزادیگی و احترام به بزرگان را در خود جمع نموده، آنها را با صفات جدیدی که در نتیجه کار تربیتی حزب کمونیست رشد و تکامل یافته بود (یعنی نگرش سوسیالیستی به کار، انترناسیونالیسم پرولتری، میهن پرستی شوروی) تلفیق نمود.

امروزه نیز خلق زحمتکش ترکمن تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و دوشادوش تمامی زحمتکشان کشور در جهت ساختن کمونیزم - عالی ترین قله تکامل بشری - گام برمی دارد.

پروسه شکل گیری ملت ترکمن در ایران

مراد ما از ترکمن صحرا آن سرزمین یکپارچه ایست که در آن ترکمن ها با زبان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اقتصادی مشترک زندگی می کنند. این منطقه از شمال به اتحاد جماهیر شوروی، از شرق به ارتفاعات بجنورد از جنوب به کوه های البرز، از جنوب غربی تا محدوده روستاهای فارس نشین حوالی گرگان و از غرب بدریای خزر محدود میشود.

همزمان با جنبش مشروطه تا اواسط حکومت رضا خان، زمینه ها و عناصر لازم برای شکل گیری "ملت" ترکمن در جنوب فراهم میشود. در این دوره تجارت رونق پیدا می کند. گسترش تجارت عوامل جدیدی را در نظام اجتماعی سنتی حاکم بر صحرا به همراه می آورد. واردات عمدتاً از شهرهای مختلف قفقاز (بخصوص باکو) و اشترخان صورت می گیرد و شامل کلاهائی چون چرخ خیاطی - سماور - کبریت، قند و مصالح ساختمانی و کالاهای متفرقه دیگر است. به همراه توسعه تجارت، شهرها نیز در ترکمن صحرا اهمیت بیشتری پیدا می کنند. البته تنها محلی که واقعاً جنبه شهری بخود می گیرد بندرگمش دبه است که در این سالها تبدیل به بندر مهمی میشود. بنظر می آید که گنبد در این دوره بیشتر قصبه ای بوده و تجارتخانه های آن بسیار محدود بوده اند و اهمیت آن بیشتر مربوط به کاروانسراهای آن بوده است. علیرغم این رونق نسبی تجارت در مقایسه با مناطقی چون آذربایجان که در مسیر راه های تجاری عمده قرار داشتند، بندرگمش دبه بسیار عقب افتاده بوده است و بورژوازی تجاری نوپای این بندر قدرت اقتصادی چندانی (مثل آذربایجان) نداشته است.

در این دوره صنایع در منطقه، بسیار عقب افتاده و ابتدائی بوده است. در تمام این دوره (مثل امروز) صنایع دستی از محدود ه اقتصاد خانوادگی و محیط خانه خارج نمی شود. بافت قالی - قالیچه

نمد و غیره در محدوده منازل روستا نشینان و عمدتاً به وسیله زبان صورت می گرفته است. برخلاف مناطقی که شهرها رشد بیشتری داشته اند (تبریز، مشهد و غیره) هیچگاه این صنایع دستی به کارگاه های شهری منتقل نشده در مجموع اقشار اجتماعی مثل پیشه وران، کسبه و زحمتکشان شهری نیروهای بسیار محدود اجتماعی را تشکیل میداده اند.

این مسئله بخصوص در آستانه جنبش مشروطه، ترکمن صحرا را از آن نیروهای اجتماعی که توانائی به دوش کشیدن بار یک جنبش بوزروا-دمکراتیک را داشته باشند، محروم می کند.

عقب افتادگی اقتصاد شهری، جدا از نظام بسیار عقب افتاده ای که بر روستا های ترکمن صحرا حاکم بود، قابل بیان نیست. در روستاها رشته تولید عمده دامداری بود و در کنار آن کشاورزی نیز اهمیت داشت. نظام حاکم بر روستا نوعی نظام پدرسالاری و شیانی بوده است. مراتع در مالکیت روستا های مجاور آن بوده و در مجموع مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته یا زمین کشاورزی در مالکیت یک واحد اجتماعی بوده و کشت و زرع هم بطور دسته جمعی صورت می گرفته و یا در آنجائی هم که کشت و زرع فردی صورت می گرفته هنوز مالکیت فردی تثبیت نشده بوده است. وجود زمین های وسیع قابل کشت و ضعف نیروهای تولیدی (تکنیکهای عقب افتاده کشاورزی و کمبود نیروی انسانی نسبت به زمین های قابل کشت) امکان میداد که روستائی ترکمن صحرا به اندازه توان خود کشت کند و عملاً در استفاده از زمین محدودیتی به وجود نیامد، در نتیجه تا حدودی لزوم مالکیت فردی زمین و مشخص کردن حدود مرزهای آن به وجود نیامد. خانها و ریش سفیدان از امتیازات خاصی نسبت به دیگران برخوردار نبودند و هنوز اموال عمومی را بخود اختصاص نداده بودند.

شکافی که رشد تجارت بتدریج در نظام حاکم بر ترکمن صحرا بوجود می آورد با زتاب خود رانه تنها در گسترش شهرها و در رشد مصرف بلکه بطور طبیعی در شیوه های زندگی سنتی ترکمن ها نیز نشان میداد، بعد از قرن ها ترکمن ها فی که در آلاچیق زندگی می کردند به خانه های

چوبی و خانه های که از مصالح ساخت روسیه و با طرح های روسی ساخته می شد رو آورند. در کمش دپه تجار و مسافرینی که به باکو و آشتراخان رفت و آمد داشتند برای اولین بار لباسهای سنتی را کنار گذاشتند و کت و شلوارپوشیدند. اولین نسل ترکمن ها فی که به تحصیلات غیر سنتی پرداختند از ساکنین کمش دپه بودند. اینها بدرجات مختلف فرهنگ و افکار سیاسی و اجتماعی را به منطقه منتقل میکردند.

سالهای اول حکومت رضاخان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن همراه بود. کنترل بیشتر مرزها، پیداشدن سروکله ژاندارم ها و مامورین دولتی ادارات رضاخانی و غیره از علائم این تغییرات بود و به محض آنکه رضاخان از مشغولیات مهمتری که در سایر نقاط ایران داشت فارغ شد و بیامه ماشین اداری نظامی خود سروصورتی داد، متوجه ترکمن صحرا شد.

برنامه‌هایی که دستگاه‌های اداری و نظامی دولت رضاخان از
اوسط حکومت وی آغاز کردند آن سیر تکاملی را که جامعه ترکمن
در ارتباط با رشد تجارت در بندر کمش‌دپه و بورژوازی تجاری نو
پای ترکمن می‌توانست داشته باشد متوقف کرد و آنرا در مسیری خاص
انداخت که امروز شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی مردم ترکمن ادامه
منطقی آن مسیر است و در نتیجه، تمام جلوه‌های ستم‌لی که امروز
بر ملت ترکمن وارد می‌شود منشاء خود را در سیاست‌هایی دارد که دولت
رضاخانی در آن سالها آغاز کرد.
در مجموع روابط سرمایه‌داری که خصلت‌های بوروکراتیک داشت
در شهرها رشد یافت و قشری از غیر ترکمن‌ها (عمدتاً فارس) که وابسته
به ادارات دولتی بودند ساکن منطقه شدند.

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com



از انتشارات

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن